

پژوهشی در قومیت غوری‌ها



بنیاد فرهنگی و اجتماعی اتحاد

نویسنده گزارش:

نبی ساقی مسوول فرهنگی بنیاد فرهنگی و اجتماعی اتحاد

ایمیل آدرس: n.saqee@gmail.com

شماره و تساب: ۰۷۷۶۳۰۱۲۱۲

نام‌های همکاران در بخش سروی و انجام پرسشنامه‌ها: ضیا فضلی، حبیب‌الله سرود، غلام سخی سخا، محمد احمدی، امین الحق امین، امیردادپارسا، صادق صبا، نثار احمد عطایی، محمد نعیم تیمن، منصور خسرو، عبدالظاهر گوهری، اسحاق انصاری و نور محمد فیاض.

باسپاس از: جمعه خان باختری، عبدالمجید صمیم و جمال الدین یعقوبی

سپاس ویژه از: دکتر میرویس پارسا و دکتر خلیل‌الله افضلی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز لاله.

۱۳۹۹/۹/۲۰

چکیده

بحث قومیت غوری‌ها یکی از مسایل جنجالی در مطالعات تاریخی و قوم‌شناسی در کشور بوده است. مورخان و قوم‌نگاران، بیشتر متناسب با قومیت خودشان در مورد هویت غوری‌ها، داوری کرده‌اند. اگر مورخی پشتون بوده، غوری‌ها را از دوران سلطنت‌شان تا امروز، پشتون خوانده است. اگر مورخی، ترک‌تبار، تاجیک، هزاره و... بوده، نیز به همین قیاس. بحث رابطه تاجیک و ایماق در سال‌های پسین در درون غور نیز، به عنوان یک بحث جدی و داغ مطرح بوده است. تعدادی، ایماق را قوم جداگانه تلقی می‌کنند. عده‌ای ایماق را زیرمجموعه قوم تاجیک دانسته و تعدادی هم گفته‌اند که ایماق به معنای «قبیله» و «طایفه» است و به مفهوم قوم خاص نیست. این نظریات متنوع و مختلف، وضعیت را پیچیده و مبهم‌تر کرده است. برای اینکه این مسأله اختلاف‌برانگیز تا حدودی روشن شود، سه راه حل و یا سه روش مطالعه، می‌تواند پیش گرفته شود. یک راه این است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تاریخی و تطبیق آن با مردم امروزی، بررسی و تحقیق شود که قومیت غوری‌ها چیست؟ این مطالعات، چنانکه که در گذشته دیده شده، به سادگی راه به جایی نمی‌برد و هر گروه از مورخان و قوم‌شناسان از مسأله، قرائت و برداشت خودشان را دارند و روی درست بودن آن پافشاری می‌کنند. راه دیگر، آزمایش DNA و تحقیقات ژنتیکی است. این روش نیز در حال حاضر، بر مبنای شواهدی که وجود دارد به اختلاط و درهم‌آمیختگی نژادی می‌کشد و پاسخ مشخصی برای قومیت هر فرد و یا هر گروه فراهم نمی‌کند. می‌ماند نظریه سومی که قومیت را به عنوان یک مفهوم فرهنگی، یک نوع احساس و یک نوع شناخت سیال و متغیر از خود می‌داند. بر مبنای این نظریه، هنگام مطالعه قومیت گروهی از مردم، از آنها می‌توان پرسید که شما چه قومی هستید یا خودتان، خویشان را از کدام قوم می‌دانید؟ هرکس خود را به همان قومی که مرتبط می‌داند، همان قوم به عنوان هویت قومی اش مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

بر مبنای همین نظریه، در این تحقیق به کمک پرسشنامه به صورت «تصادفی ساده» از ۱۶۰۳ تن از مردم غور در ۱۰ ولسوالی - به استثنای ولسوالی لعل و سرجنگل - پرسیده شده است که خودشان، خود را از کدام قوم می‌دانند؟ براساس جمع‌بندی پاسخ‌ها از میان ۱۶۰۳ تن ۸۵.۰٪ گفته‌اند که ما خود را تاجیک می‌دانیم و ۹.۴٪ خود را ایماق معرفی کرده‌اند. به همین ترتیب ۱.۲٪ گفته‌اند که قومیت برای ما اهمیتی ندارد یا اینکه ما قومیت خود را نمی‌دانیم. ۱.۲٪ پاسخ داده‌اند که ما پشتون هستیم. ۰.۹٪ خود را سید دانسته‌اند و ۰.۵٪ هزاره سنی، ۰.۳٪ ترکمن، ۰.۲٪ بلوچ، ۰.۱٪ مغول، ۰.۲٪ ازبک، ۰.۱٪ غوری و ۰.۷٪ دیگر گزینه سایر اقوام را انتخاب کرده‌اند.

کلمات کلیدی: غوری‌ها، قومیت، هویت، احساس تعلق، شناخت از خود.

در مورد اینکه مردم غور چه قوم و تباری هستند، نظریات متفاوت و متضادی ارائه شده است. در داخل کشور کسانی که در دوران معاصر در مورد مردم تبار و قومیت مردم غور کتاب و مقاله نوشته‌اند، غالباً متناسب با قومیت و تبار خودشان، در مورد غوری‌ها، قضاوت کرده‌اند و این وضعیت به جایی اینکه مسأله را روشن کند، مبهم‌تر ساخته است. خارجی‌های هم که در صد سال پسین در مورد مردم و جغرافیای غور، مطلبی نوشته‌اند، تا حدود زیادی به همین منابع داخلی متکی بوده‌اند و یا به ثبت قبایل و طوایف کوچک پرداخته‌اند که از نظر اثبات هویت قومی غوری‌ها، راهی به دهی نبرده است.

این تحقیق، از این جهت اهمیت و تازگی دارد، که به جایی درگیر شدن با مطالعات جنجالی کتابخانه‌ای، سراسر است به سراغ مردم غور رفته و از خودشان پرسیده است که شما خود را از کدام قوم و تبار می‌دانید. پاسخ مردم به این پرسش، این خلا و این پیچیدگی را به صورت ساده و معقول، حل می‌کند و مشخص می‌سازد که مردم غور از دیدگاه خودشان، چه قوم و تباری هستند. روش‌هایی تحقیق کتابخانه‌ای که به سراغ قومیت غوری‌ها در تاریخ رفته‌است، به دلیلی که در بالا ذکر شد، نمی‌تواند ابهامات و تاریکی‌هایی مسأله را کاملاً بزداید. بدیهی است که هر انسان خودش بهتر از دیگران در مورد خود شناخت دارد و دیگران از روی شناخت و تصویری که فرد یا خانواده او از وی، ارائه می‌کنند، می‌توانند او را بشناسند. هر چند تحقیقات کتابخانه‌ای فراوانی در مورد مردم غور صورت گرفته، اما به دلیل اینکه در گذشته‌ها، بحث قومیت در جهان، مانند امروز داغ و جدی نبوده و مردم بیشتر با هویت‌هایی جغرافیایی خود مانند بلخی، هروی و غوری شناخته می‌شدند و همچنان به علت قوم‌گرایی و بی‌طرف نبودن بسیاری از مورخان و نویسندگان، توضیح بحث قومیت و تبار غوری‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای امر دشوار و پیچیده‌ای شده است.

از نظر تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای، مردم غور در منابع معتبر قدیمی‌تر (دوره اسلامی) به نام سوری و غوری و تاجیک یاد شده و در دوران معاصر در برخی کتاب‌ها، گاهی در بعضی مناطق غور به نام ایماق نیز معرفی شده‌اند (شناسنامه غور، ۱۳۹۹: ۱۰۷). قوم‌پژوهان غربی نیز که بنای‌شان به خاطر سهولت کار، بر تجزیه و تقسیم اقوام بزرگ بوده، قبایل یا ایماق غوری را که فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی، تیموری و غیره بوده‌اند، بیشتر مورد مطالعه قرار داده و لفظ ایماق را که در اصل و به لحاظ لغوی، به مفهوم قبیله و طایفه بوده، به صورت قوم و تبار خاصی درک کرده و مسأله را پیچیده‌تر کرده‌اند. در این تحقیق، مطابق نظریه «قومیت همچون احساس تعلق» در ده ولسوالی غور، از مردم پرسیده شده است که خود را چه قوم و تباری می‌دانند. بعد از تحلیل نظریات و پاسخ‌های مردم، مشخص شده است که مردم غور خودشان، خود را از کدام قوم و نسب می‌دانند. این تحقیق به باور نویسنده، مسأله جنجال قومیت غوری‌ها را تا حدودی حل می‌سازد و بر پایه یافته‌های آن، مورخان و محققان می‌توانند، در مورد فیصدی قومیت غوری‌ها، نتیجه‌گیری و داوری داشته باشند و قاطع‌تر بنویسند که قومیت و تبار مردم غور نظر به شناخت و برداشت خودشان، چه می‌باشد.

مسأله تحقیق

قومیت مردم غور چیست؟ این سوال نزد مورخان و قوم‌پژوهان، تا حال پاسخ قاطع و مورد توافقی نداشته است. قومیت، بر پایه درک تعدادی از اندیشمندان، یک نوع احساس تعلق و یک نوع باور غالباً خیالی و ناواقعی نسبت به نسب و نژاد خود است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵). وقتی قومیت بر اساس «نظریه احساس تعلق» یک نوع احساس پیوند باشد، مسأله اساسی این است که غوری‌ها خودشان، خود را چه قومی می‌دانند. این سوال تا حال از مردم غور پرسیده نشده و پاسخ روشنی نداشته است. تحقیق حاضر، در صدد روشن کردن همین مسأله است. در این پژوهش از مردم غور پرسیده شده است که شما از کدام قوم هستید؟ جواب مردم در واقع بر مبنای نظریه «احساس تعلق» قومیت مردم غور را روشن خواهد ساخت.

هدف تحقیق

هدف این تحقیق به صورت کلی مشخص شدن قومیت مردم غور است. موضوع تبار غوری‌ها تا حال موضوع جنحالی و اختلاف‌برانگیزی بوده است. پژوهش حاضر در صدد واضح ساختن قومیت غوری‌ها است و نظر به تشخیص و شناخت خودشان از خود، قومیت مردم غور را واضح و آشکار می‌کند.

ضرورت تحقیق

چنانچه اشاره شد، قومیت غوری‌ها حقیقتاً تا حال موضوع مبهم و اختلاف‌آمیزی بوده است. در همین اواخر که برنامه توزیع شناسنامه الکترونیک در غور شروع به کار کرد، ده‌ها نفر حتا به نگارنده این سطور نیز تماس گرفتند که از نظر شما، ما قومیت خود را چه بنویسیم و مردم غور به باور شما از کدام قوم هستند؟ من از نظر تاریخی وضعیت را با برداشتی که خودم داشتم شرح دادم، ولی بیشتر مسأله را به باور و برداشت خود افراد موكول کردم. با این وجود بسیاری افراد، در چنین وضعیتی نیاز نمی‌بینند که در این باره با کسی مشوره کنند، آنها مطابق درک خودشان، قومیت خود را در اسناد دولتی درج می‌کنند. جالب این است که نظر به گفته تعدادی از مردم و به اساس عکس‌های که در شبکه‌های اجتماعی نشر شده است، از یک خانواده، یک برادر قومیت خود را تاجیک نوشته و برادر دیگر ایماق. پدر، مثلاً قومیتش را تاجیک درک کرده و پسر بلوچ یا برعکس. بنا بر این، برای مشخص شدن و وضاحت بیشتر این مسأله، با توجه به نظریه جامعه‌شناختی که قومیت را یک نوع احساس تخیلی و یا واقعی می‌داند و ملاک قومیت را تشخیص و احساس فردی هر کس، در این تحقیق از مردم غور پرسیده شده است که خودشان، خود را از کدام قوم می‌دانند. پاسخ مردم به این پرسش، قومیت غوری‌ها را به تشخیص خودشان، معین می‌کند و مورخان و مردم را از ابهام و سردرگمی‌ها و اختلافات فراوان، تا حدود بسیاری می‌رهاند.

روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش تحقیق میدانی - توصیفی با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه به صورت «نمونه‌گیری ساده و تصادفی و قابل دسترس» از مردم غور در ده ولسوالی پرسیده شده است که خودشان خود را از کدام قوم می‌دانند. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها تحلیل و بررسی شده و یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان داده شده است. حدود ۷۰۰ پرسشنامه از میان ۱۶۰۳ پرسشنامه، در دانشگاه غور، لیسه‌های سلطان علا‌الدین و سلطان شهاب‌الدین غوری و آموزشگاه الحق در میان دانشجویان و دانش‌آموزان صنوف یازدهم و دوازدهم، توزیع شده است. سایر پرسشنامه‌ها در ولسوالی‌های فیروزکوه، دولتیار، مرغاب، تیوره، چارسده، ساغر، پسابند و تولک حضوری یا تلفونی در اختیار مردم قرار گرفته است. ولسوالی‌هایی که در مرکز ولایت، دانشجو و دانش‌آموز بیشتر داشته‌اند، به همین دلیل، آمار اشتراک کنندگان آن ولسوالی، بالا رفته است. واحد اداری لعل و سرجنگل، به دلیل اینکه قومیت مردم آن واضح و مشخص است، نیاز به تحقیق و پرسش نداشته است. همین طور در دولتیار و پسابند، در روستاهای هزاره‌نشین، پرسشنامه توزیع نشده است، اما هزاره‌سنی، شامل فهرست اقوام مندرج در پرسشنامه بوده و کسانی که خود را هزاره سنی می‌دانسته‌اند، توانسته‌اند، این گزینه را انتخاب کنند.

نفوس ولایت غور براساس تخمین «اداره ملی احصاییه و معلومات» در سال ۱۳۹۸ بالغ به ۷۵۱۲۵۴ تن بوده است (اداره ملی احصاییه و معلومات، ۱۳۹۸). زمانی که نفوس ولسوالی لعل و سرجنگل یعنی ۱۲۴۴۳۴ تن را از آن کم کنیم ۶۲۶۸۲۰ تن می‌ماند که جمعیت هدف ما را تشکیل می‌دهد و به اساس «فورمول سروی مونکی» در صورتی که سطح اطمینان را ۹۹٪ و ضریب خطا را ۵٪ در نظر بگیریم، جمعیت نمونه ۶۶۵ تن می‌شود، چون ما در این تحقیق ۱۶۰۳ پرسش‌شونده داریم، لذا جمعیت نمونه، بیشتر از دوچند عدد مورد نیاز فورمول سروی مونکی است.

پیشینه تحقیق و ادبیات موجود

قومیت منسوب به قوم است. فرهنگ دهخدا، قوم را واژه عربی به معنای «گروهی از مردان و زنان» می‌داند. در این لغتنامه، قوم به معنای کسان و خویشاوندان نیز ذکر شده است. فرهنگ فارسی معین «قوم» را گروهی از مردم و خویشاوندان، دانسته که در تاریخ و زبان و آداب و رسوم که عامل پیوند و اتحاد بین آنان است» اشتراک دارند. گذشته از آن، قوم به لحاظ لغوی به معنای امت و پیروان، به معنای طایفه و عشیره، به معنای همسر(زن) و امثالهم نیز یاد شده است.

جامعه‌شناسان و قوم‌شناسان تعاریف متعددی از قوم و قومیت صورت داده‌اند. قوم واژه قدیمی و کهنی است. در یونان قدیم کلمه ethnos یا قوم به معنای قبایل کوچکی بود که بیرون از شهر زندگی می‌کردند و از حقوق سیاسی شهروندان رسمی برخوردار نبودند. واژه ethnicity یا قومیت به مفهوم امروزی، در غرب واژه جدیدی است و ظاهراً اولین بار در سال ۱۹۵۳ م توسط دیوید رایزمن به کار گرفته شده است (بابا صفری، ۱۳۹۵). آنتونی اسمیت (جامعه‌شناس) در تعریف

قوم و قومیت می‌گوید: «قوم یک اجتماع انسانی مرتبط به یک سرزمین و دارای اسطوره‌های مشترک، یک یا چند عنصر فرهنگی مشترک و حداقل همبستگی در میان نخبگان» است. «در قومیت، صحبت از نژاد و یا نیایی واقعی نیست، بلکه از هویت و نیایی که مردم آن را در اختیار دارند صحبت می‌شود و به خاطر اسطوره‌ها و ارزش‌هایی که در سنن و رسوم و سبک‌های هنری، قوانین حقوقی و نمادها مجسم شده‌اند، توجه می‌شود» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵).

از نظر ماکس وبر، قومیت یک «باور ذهنی به اجداد مشترک است که معمولاً بر مبنای شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترک پدید می‌آید» (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). فکوهی در ضمیمه خودش بر کتاب «قوم‌شناسی سیاسی» رولان برتون علاوه می‌کند که: «در گروهی دیگر از تعاریف، قوم یک مجموعه اجتماعی تمایز یافته معرفی می‌شود که ریشه‌های خود را در گذشته و اسطوره تصور می‌کنند. گروه قومی عموماً دارای یک نام، رسم‌ها، ارزش‌ها و زبان مشترک است» (همان: ۲۳۵). از نظر فردریک بارث، گروه قومی به جمعیتی اطلاق می‌شود که «ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترک و احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی داشته باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند» (همان: ۲۳۵). از نظر جنکینز قومیت به «گروه‌های اجتماعی اشاره دارد که در ویژگی‌های انتسابی واقعی یا فرضی، از قبیل اصل و نسب و میراث فرهنگی - زبانی اشتراک دارند» (پایدیا، ۱۳۹۸: ۳۶).

ناصر فکوهی به نقل از آنتونی اسمیت دو رویکرد نظری اساسی را در مورد قومیت قابل تشخیص می‌داند: اصل‌گرایی و ابزارگرایی. اصل‌گرایان، قومیت را ناشی از پیوندها و احساس اصیل، ذاتی و طبیعی می‌دانند. ابزارگرایان، قومیت را وسیله‌ای می‌دانند برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی. ابزارگرایی، قومیت را مفهوم مدرن حساب می‌کند که با استعمار پیوند دارد. اصل‌گرایی ممکن است به تبعیض و تعصب نژادی و قومی و جنگ و تعصب قومی بینجامد و ابزارگرایی نیز ممکن است قومیت را یک مفهوم ابداعی بداند و بپندارد قومیت همانگونه که ابداع شده می‌تواند لغو شود. از این پندار نیز ممکن است برای نادیده گرفتن یا از بین بردن اقوام استفاده سوء شود. (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۷-۲۳۸).

توماس جفرسون بارفیلد نویسنده تاریخ فرهنگی-سیاسی افغانستان به نقل از بارث در مورد قومیت می‌نویسد: گروه‌های قومی معمولاً دارای چهار معیار هستند. شباهت‌های بیولوژیک، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترک، حوزه ارتباطی و تعامل؛ و تعریفی از خود و دیگری. آخرین معیار، مهمترین معیار است. از نظر بارفیلد، قاعده کلی برای دسته‌بندی گروه‌های قومی در افغانستان وجود دارد: اگر مردمی خود را فلان و بهمان بخوانند و همسایگان‌شان هم موافق باشند که آنها فلان و بهمان هستند، پس آنها فلان و بهمان هستند (بارفیلد، ۱۳۹۸: ۴۴-۴۵). از نظر بارفیلد دانشمندان علوم سیاسی معمولاً گروه‌های قومی را معین، ثابت و ازلی می‌بینند... انسان‌شناسان معمولاً استدلال می‌کنند که قومیت امر تصادفی و در معرض انتخاب و تغییرات است. این باور در افغانستان که قومیت را می‌توان بر اساس ظاهر و به طور بصری تشخیص داد از این واقعیت ریشه می‌گیرد که افراد هویت‌شان را از طریق سبک پوشش به نمایش می‌گذارند. (همان: ۴۵-۴۷).

در مورد غور کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است. از کتاب «طبقات ناصری» تألیف منهاج السراج جوزجانی گرفته تا «تاریخنامه هرات»، «روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات»، «زبدۃ التواریخ» و «جغرافیای حافظ ابرو»، «روضه الصفا»ی خواندمیر، «حیب السیر» می‌خواند و کتاب‌های قدیمی بسیار دیگر. در دوران معاصر نیز بیشتر مورخان از علی احمد کهزاد تا عبدالحی حبیبی و از میرغلام محمد غبار تا محمد صدیق فرهنگ در نوشته‌های خویش غور و تاریخ و جغرافیایی آن را بحث کرده‌اند. عتیق‌الله پژواک در سال ۱۳۴۲ کتابی نوشته به نام «غوریان» و عزیزاحمد پنجشیری نیز کتابی تألیف کرده است به نام «جغرافیای تاریخی غور». مولوی غوث‌الدین مستمند غوری نیز اثری دارد به نام «تاریخ مختصر غور». شاه محمود محمود استاد سابق دانشگاه کابل نیز کتابی تألیف کرده است به نام «تاریخ دولت مستقل غوریان». همچنان بنیادجهان داران غوری و سایت جام غور مقالات متعددی در مورد غوریان نوشته‌اند. اصغر فروغی ابری نیز اثری دارد به نام «تاریخ غوریان». کسان بسیار دیگری نیز در این باره مقاله و کتاب نوشته‌اند که حالا مجال پرداختن به تمام آنها میسر نیست. اما کار و مطالعات اینها بیشتر به گذشته و دوره امپراتوری غوریان متمرکز بوده است و در مورد قومیت غوری‌ها اطلاعات چندانی به صورت منسجم ارایه نکرده‌اند.

تعدادی از قوم‌پژوهان غربی نیز که در دوران معاصر در باب هویت و تبار غوری‌ها، مطلب نوشته‌اند، بیشتر در مورد ایماق یا قبایل فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی و غیره بحث کرده‌اند. اینها، ایماق را پیشاپیش به عنوان یک قوم جداگانه فرض گرفته‌اند و در مورد اینکه واقعا ایماق یک قوم هست یا نیست، تحقیق و پژوهشی مستقلی را من تا حال متوجه نشده‌ام. تعدادی از مورخان و نویسندگان ایماق را قوم خاصی ندانسته و گفته‌اند که به زبان ترکی و مغولی ایماق و اویماق به معنای مطلق قبیله و طایفه است (دهخدا، معین، عمید و نیز شیرمحمدخان، ۱۳۱۱: ۱۷۷ و ۳۱۵/بیلیو، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۴/اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۱۵۰). تعدادی از قوم‌شناسان غربی مفهوم «ایماق» را مانند اقوام هزاره، تاجیک و ازبک، یک قوم جداگانه فرض کرده و پژوهش‌های خود را بر پایه همین پیش فرض، استوار کرده‌اند. قبایل غور در نوشته‌های تاریخی و مردم‌شناسی به نام فیروزکوهی، تیمنی، جمشیدی، تیموری و غیره یاد شده‌اند. حالا این طوایف مربوط و متعلق به کدام یک از اقوام افغانستان هستند، سوالی است که این تحقیق در صدد است به آن پاسخ بدهد. تعدادی از نویسندگان هزاره نیز که در ۲۰ سال اخیر در پیوند به تاریخ غور، کتاب نوشته‌اند، مانند نویسندگان سایر اقوام، سعی کرده‌اند براساس قومیت خودشان، در مورد قومیت مردم غور نیز داوری کنند. این همان داوری مبتنی بر قومیت خود نویسنده است که قبلا توضیح داده شد و بر پایه آن، هر نویسنده اگر تاجیک بوده، یا هزاره، یا پشتون و ترک، متناسب به قومیت خودش، غوری‌ها را از همان قوم دانسته است. قابل ذکر است که در مطالعات قومیت در افغانستان، در بیشتر موارد، نقش مادر و سهم آن در اختلالات و درهم‌تنیدگی قومی، مانند سایر برداشت‌های پدرسالارانه از قومیت، کاملا نادیده گرفته شده و به مسأله خویشاوندی‌ها فراقومی که در طول سده‌های متمادی اتفاق افتاده، توجهی نشده است.

در سال‌های اخیر برخی مجلات ولایتی که از سوی تعدادی از ادارات دولتی و غیردولتی در ولایت غور نشر شده است نیز در مورد آمار قومیت‌ها در غور، ارقامی ذکر کرده‌اند، اما از آنجا که این ارقام و آمار بر کدام تحقیق و پژوهش مبتنی

نبوده و فقط تخمین بدون سند نویسنده متن را بازتاب می‌دهد، نمی‌تواند معیار و ملاکی برای نتیجه‌گیری یا استناد به حساب آید.

در کتاب شناسنامه غور که در سال ۱۳۹۹ توسط تعدادی از فرهنگیان غور نشر شد، مقاله‌ای است به نام «قومیت و نژاد غوری‌ها» به قلم نگارنده که قومیت غوری‌ها و ادعاهایی مختلف در مورد قومیت مردم غور را به صورت کتابخانه‌ای بررسی کرده است (شناسنامه غور، ۱۳۹۹: ۸۱). تحقیق حاضر اما، در نوع خودش یک روش متفاوت است و تا جایی که من اطلاع دارم به این روش در مورد قومیت غوری‌ها مقاله و پژوهشی نشر نشده است. در این تحقیق از ۱۶۰۳ تن از مردم غور در ده ولسوالی، پرسیده شده است که خود را از کدام قوم می‌دانند.

چوکات نظری تحقیق

در مورد این پرسش که قومیت چیست و یا مردم فلان کشور و یا فلان ولایت از کدام قوم و تبار هستند، چنانکه در قسمت پیشینه تحقیق مشاهده شد با سه روش یا سه رویکرد می‌توان پاسخ داد. یک دیدگاه، قومیت را پدیده بیولوژیک، تغییر ناپذیر و دائمی و خالص می‌داند و برای اثبات اینکه فلان مردم از کدام قوم هستند به سراغ کتاب‌های تاریخ و اسناد باستانی می‌رود تا نشان دهد که فلان مردم در تاریخ متعلق به کدام قوم هستند. این دیدگاه سپس آن مطالعات تاریخی را با مردم یک محله و محیط امروزی تطبیق می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که بر اساس شواهد تاریخی، فلان مردم از فلان قوم هستند. دیدگاه دوم، قومیت مردم را از طریق مطالعه ژن‌ها و DNA افراد مطالعه می‌کند تا نژاد و بالتبع قومیت افراد را نشان بدهد. این دیدگاه هرچند از نظر علمی در مورد فرد تا حدودی راهگشا است، اما بر اساس یافته‌های موجود بیشتر نشان می‌دهد که انسان‌ها تمام‌شان کم و بیش باهم مخلوط و درهم آمیخته هستند. علی‌هزاره از بهسود و یا اسد بودا از لعل و سرچنگل ولایت غور و کسان دیگر، نتایج آزمایش DNA خود را در شبکه‌های اجتماعی نشر کردند که بیشتر نشان‌دهنده اختلاط و درهم آمیختگی قومی در افغانستان بود. این روش در حال حاضر در افغانستان، فقط اختلاط نژادی میان اقوام را نشان می‌دهد، اما نمی‌تواند تاجیک، هزاره، پشتون، بلوچ، نورستانی، ازبک، ترکمن و... را از هم جدا کند. بنابراین با این روش نیز فعلاً نمی‌توان قومیت فلان مردم را مشخص ساخت. قومیت یک گفتمان فرهنگی است، نه یک بحث بیولوژیک صرف.

دیدگاه سوم قومیت را نه یک واقعیت عینی و بیولوژیک، که یک نوع احساس تعلق و یک نوع پیوند تخیلی و یا واقعی می‌داند که افراد، نسبت به نسب و نژاد خود دارند و این مسأله بیشتر حالت فرهنگی و ذهنی دارد تا حالت بیولوژیک و واقعی (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵). بر مبنای این نظریه گروه‌ها و افراد خودشان خود را هر قومی که می‌دانند همان احساس و همان شناخت، معیار قومیت‌شان حساب می‌شود. بنابراین دیدگاه، اگر کسی خود را سید احساس کند، سید تلقی می‌شود و اگر هزاره احساس کند هزاره. قومیت افراد، مطابق این دیدگاه، همان است که خودش خود را از همان قوم می‌داند. چوکات نظری این تحقیق، همین دیدگاه سوم است. از مردم غور پرسیده شده است که از کدام قوم هستند؟ هر جوابی که خودشان

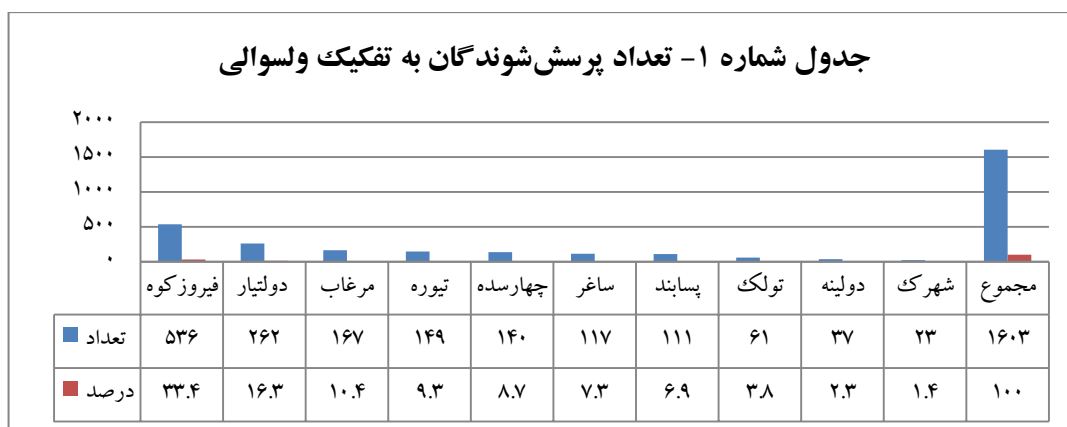
به این پاسخ داده‌اند، همان پاسخ، معیار قضاوت و شناخت، دانسته می‌شود. بدیهی است که قومیت هر شخص را خودش تعیین و بیان می‌کند. با اتکا به نظریه سوم که در بالا مرور شد، معیار تشخیص قومیت هر شخص خودش است. این تحقیق در روشنایی همین نظریه انجام شده است.

تحلیل و بررسی داده‌ها

در این تحقیق در میان ۱۶۰۳ تن در ۱۰ ولسوالی پرسشنامه توزیع شده بود که جزییات پاسخ آنها و مشخصات فردی پرسش‌شوندگان به صورت تفصیلی، اینجا مرور می‌شود.

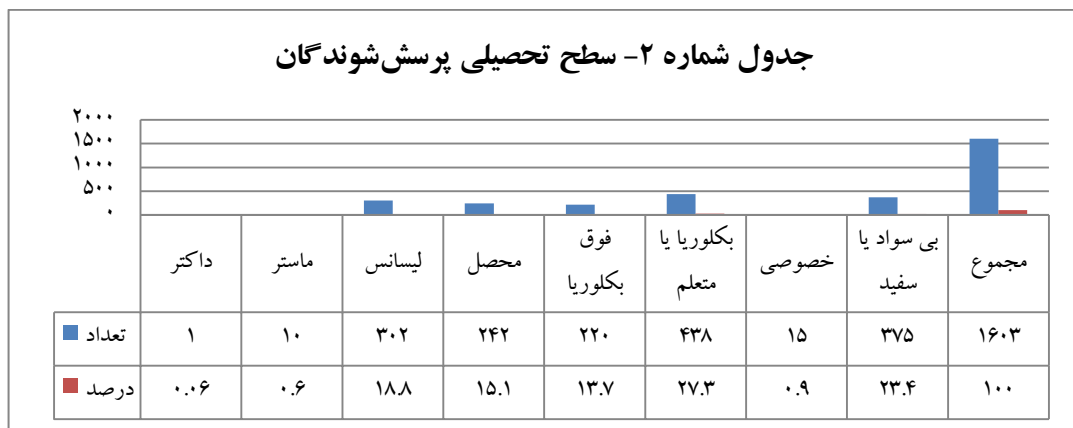
تعداد پرسش‌شوندگان با تفکیک ولسوالی

در این پژوهش به صورت مجموعی همان‌گونه که گفته شد ۱۶۰۳ تن در ده ولسوالی، پرسشنامه، پر کرده‌اند که از میان آنها ۵۳۶ تن (۳۳.۴٪) از واحد اداری فیروزکوه یا مرکز ولایت بوده‌اند و ۲۶۲ تن دیگر (۱۶.۳٪) از ولسوالی دولتیار. به همین ترتیب از ولسوالی مرغاب ۱۶۷ تن (۱۰.۴٪)، از ولسوالی تیوره ۱۴۹ تن (۹.۳٪)، از ولسوالی چهارسده ۱۴۰ تن (۸.۷٪)، از ولسوالی ساغر ۱۱۷ تن (۷.۳٪)، از ولسوالی پسابند ۱۱۱ تن (۶.۹٪)، از ولسوالی تولک ۶۱ تن (۳.۸٪)، از ولسوالی دولینه ۳۷ تن (۲.۳٪) و از ولسوالی شهرک ۲۳ تن (۱.۴٪) پرسشنامه پُر کرده و در این تحقیق اشتراک داشته‌اند. قابل یادآوری است که حدود ۷۰۰ پرسشنامه در دانشگاه غور، لیسه سلطان علاالدین، لیسه سلطان شهاب‌الدین غوری و آموزشگاه الحق توزیع شده بود. دلیل اینکه در ولسوالی‌های فیروزکوه و دولتیار آمار اشتراک‌کنندگان بالا است به این معناست که تعداد دانشجویان و متعلمان این ولسوالی‌ها در آن نهادهای تحصیلی بیشتر بوده، لذا آمار اشتراک‌کنندگان‌شان، بیشتر شده است. ولسوالی لعل و سرجنگل به دلیل واضح بودن قومیت مردم، شامل این تحقیق نبوده است. همچنان به همین دلیل در مناطق هزاره‌نشین دولتیار و پسابند نیز پرسشنامه توزیع نشده است. در فورم پرسشنامه اما، گزینه هزاره‌سنی موجود بوده و کسانی که در میان اشتراک‌کنندگان، خود را از این قوم دانسته‌اند، فرصت انتخاب به طور کامل برای آنها، میسر بوده است.



سطح تحصیلی پرسش شوندگان

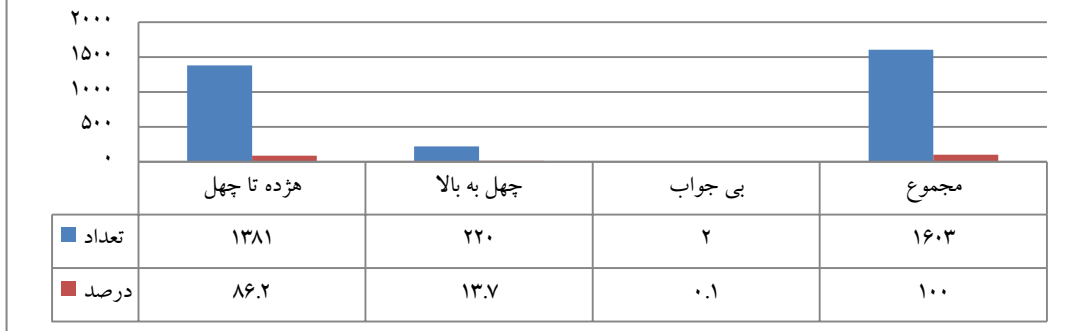
از نظر میزان تحصیل و سواد پرسش شوندگان از میان ۱۶۰۳ پرسش شونده که در این تحقیق سهم داشته‌اند، ۱ تن (۰.۰۶٪) داکتر، ۱۰ تن (۰.۶٪) ماستر یا کارشناس ارشد، ۳۰۲ تن (۱۸.۸٪) لیسانس، ۲۴۲ تن (۱۵.۱٪) محصل یا دانشجو، ۲۲۰ تن (۱۳.۷٪) فوق بکلوریا یا چهارده پاس، ۴۳۸ تن (۲۷.۳٪) بکلوریا یا متعلم و مختص به صنوف یازدهم و دوازدهم و ۱۵ تن (۰.۹٪) دارای تحصیل خصوصی یعنی مدارس سنتی بوده‌اند. البته ۳۷۵ تن دیگر (۲۳.۴٪) فاقد سواد بوده یا به این پرسش، پاسخ نداده‌اند. قابل یادآوری است که مسأله سطح تحصیل پرسش شوندگان موضوعی از پیش تعیین شده نبوده و این که چه تعدادی از آنها دارای چه درجه تحصیلی بوده‌اند، به صورت اتفاقی یا تصادفی بوده است. هرچند، زمانی که پرسشنامه در مکاتب و نهادهای تحصیلی توزیع می‌شود، میزان تحصیلی پرسش شونده‌ها تا حدودی مشخص است، اما فقط کمتر از نیمی از اشتراک کنندگان در این نهادها بوده‌اند.



سن پرسش شوندگان

سن و سال پرسش شوندگان در این تحقیق به عنوان یک شاخص مطرح نبوده است، لذا برای اینکه نشان داده شود، پرسش شوندگان در کدام رده‌های سنی قرار دارند، فقط به دوگزینه اکتفا شده است. بنا براین از میان ۱۶۰۳ پرسش شونده که در این تحقیق اشتراک داشته‌اند، ۱۳۸۱ تن (۸۶.۲٪) آنها از هژده تا چهل سال و ۲۲۰ تن (۱۳.۶٪) آنها بالاتر از ۴۰ سال، عمر داشته‌اند. البته از میان مجموع پرسش شوندگان ۲ تن (۰.۱٪) هم به این پرسش، پاسخ ارایه نکرده‌اند.

جدول شماره ۳- سن و سال پرسش شوندگان



جنسیت پرسش شوندگان

جامعه غور به ویژه مردم ولسوالی‌ها، یک جامعه سنتی و بسته است و اشتراک و سهم‌گیری زنان و دختران در خانه‌پری پرسشنامه‌ها به ویژه زمانی که شماره تلفون نیز درج شود، امر ساده و راحتی نیست، با آن هم با استفاده از فرصت دانشگاه غور و آموزشگاه الحق سعی شده است که اشتراک خانم‌ها، در این تحقیق بیشتر شود. روی هم‌رفته، از میان ۱۶۰۳ تن اشتراک کننده، ۱۴۰۱ تن (۸۷.۴٪) آنها مرد و ۲۰۲ تن (۱۲.۶٪) از میان زنان بوده‌اند.

جدول شماره ۴- جنسیت پرسش شوندگان



قومیت پرسش شوندگان (پرسش اصلی تحقیق)

در این تحقیق همان‌گونه که تاحال خواندید، ۱۶۰۳ تن اشتراک کرده و فورم پر کرده‌اند که هنگام انتخاب قومیت، از میان آنها در ده ولسوالی، ۱۳۶۲ تن (۸۵.۰٪) خود را تاجیک معرفی کرده‌اند و ۱۵۰ تن دیگر (۹.۴٪) قومیت خود را ایماق خوانده‌اند. به همین ترتیب ۲۰ تن (۱.۲٪) گفته‌اند که قومیت برای ما اهمیتی ندارد یا قومیت خود را نمی‌دانیم، ۲۰ تن (۱.۲٪) گفته‌اند که ما پشتون هستیم، ۱۵ تن (۰.۹٪) خود را سید معرفی کرده‌اند و ۵ تن دیگر (۰.۳٪) گفته‌اند که ترکمن هستند. همچنان ۸ تن (۰.۵٪) خود را هزاره سنی دانسته و ۴ تن (۰.۲٪) گفته‌اند که قومیت ما بلوچ می‌باشد. به همین ترتیب ۲ تن (۰.۱٪) خود را مغول، ۳ تن (۰.۲٪) ازبک، ۲ تن (۰.۱٪) غوری و ۱۲ تن (۰.۷٪) خودشان را از

سایر اقوام معرفی کرده‌اند. در پرسشنامه به ترتیب، اقوام ازبک، سید، تاجیک، پشتون، ایماق، بلوچ، هزاره سنی، بیات، قزلباش، ترکمن و گزینه اقوام دیگر وجود داشتند. قابل یادآوری است که برای سروی کنندگان یا پرسش کنندگان تفهیم شده بود که هنگام توزیع یا پرکردن فورم‌ها، هیچ‌گونه تلقین و جهت‌دهی نداشته باشند و فرصت دهند که پرسش‌شوندگان خودشان هر طوری که خود می‌دانند قومیت خود را معرفی کنند. گفته شده بود که پرسش‌کننده فقط فورم را توزیع کند و یا هم اگر پرسش‌شونده فاقد سواد نوشتن باشد، با امانت‌داری کامل، چیزی که را که آنها می‌گویند درج فورم نماید. البته از پرسش‌کنندگان یا سروی‌گران در هیچ مرحله‌ای از تحقیق پرسیده نشده است که خودشان، خود را از کدام قوم و تبار می‌دانند.

جدول شماره ۵- قومیت پرسش‌شوندگان

	تاجیک	ایماق	مهم نیست یا...	پشتون	سید	ترکمن	هزاره سنی	بلوچ	مغل	ازبک	غوری	سایر اقوام	مجموع
تعداد	۱۳۶۲	۱۵۰	۲۰	۲۰	۱۵	۵	۸	۴	۲	۳	۲	۱۲	۱۶۰۳
درصد	۸۵.۰	۹.۴	۱.۲	۱.۲	۰.۹	۰.۳	۰.۵	۰.۲	۰.۱	۰.۲	۰.۱	۰.۷	۱۰۰

پاسخ هر ولسوالی در مورد قومیت

عنوان قبلی به صورت کلی و مجموعی نشان داد که در این تحقیق چند تن اشتراک داشته و چند فیصد از پرسش‌شوندگان خود را منتسب به کدام قوم دانسته‌اند، در اینجا پاسخ هر ولسوالی به صورت مجزا نشان داده خواهد شد تا مشخص شود که نظر به شاخص ولسوالی، پاسخ پرسش‌شوندگان از چه قرار بوده است:

فیروزکوه: در واحد اداری فیروزکوه مجموعاً ۵۳۶ تن به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این میان ۴۴۱ تن (۸۲.۳٪) خود را تاجیک، ۷۱ تن (۱۳.۲٪) ایماق، ۶ تن (۱.۱٪) پشتون، ۴ تن (۰.۷٪) هزاره سنی، ۲ تن (۰.۴٪) سید و ۱ تن (۰.۲٪) خود را ازبک معرفی کرده‌اند. البته ۱۱ تن دیگر (۲.۱٪) در این ولسوالی گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم.

دولتیار: در ولسوالی دولتیار مجموعاً ۲۶۲ تن به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که از این میان، ۲۰۷ تن (۷۹.۰٪) خود را تاجیک گفته‌اند و ۴۸ تن (۱۸.۳٪) ایماق. ۲ تن دیگر (۰.۸٪) خود را پشتون، ۱ تن (۰.۴٪) سید، ۱ تن (۰.۴٪) هزاره سنی، ۱ تن (۰.۴٪) ترکمن، ۱ تن (۰.۴٪) غوری و ۱ تن دیگر (۰.۴٪) از سایر اقوام معرفی کرده است.

مرغاب: در ولسوالی مرغاب، ۱۶۷ تن پرسشنامه پر کرده‌اند که از این میان ۱۶۴ تن (۹۸.۲٪) خود را تاجیک، ۱ تن (۰.۶٪) ایماق و ۱ تن (۰.۶٪) پشتون معرفی کرده است. در این میان یک تن (۰.۶٪) گفته است که قومیت برای من مهم نیست.

تیوره: در ولسوالی تیوره ۱۴۹ تن به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که از این میان، ۱۲۲ تن (۸۱.۹٪) تاجیک، ۶ تن (۴.۰٪) ایماق، ۷ تن (۴.۷٪) پشتون، ۱ تن (۰.۷٪) سید، ۳ تن (۲.۰٪) هزاره سنی، ۲ تن (۱.۳٪) مغول، ۲ تن (۱.۳٪) ازبک بوده و ۲ تن (۱.۳٪) هم گزینه سایر اقوام را انتخاب کرده‌اند. در این میان ۴ تن (۲.۷٪) گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم.

چهارسده: ولسوالی چهارسده در این تحقیق، ۱۴۰ تن اشتراک کننده داشته است که از این میان، ۱۲۲ تن (۸۷.۱٪) تاجیک، ۸ تن (۵.۷٪) ایماق، ۴ تن (۲.۹٪) سید و ۴ تن (۲.۹٪) خود را اقوام دیگر گفته‌اند. ۲ تن (۱.۴٪) نیز نوشته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم.

ساغر: در ولسوالی ساغر ۱۱۷ تن به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که از این میان، ۱۰۷ تن (۹۱.۵٪) خود را تاجیک، ۵ تن (۴.۳٪) سید، ۲ تن (۱.۷٪) بلوچ و ۲ تن (۱.۷٪) خویشتن را ترکمن خوانده‌اند. از این میان، ۱ تن (۰.۹٪) گفته است که قومیت خود را نمی‌دانم یا اینکه قومیت برای من اهمیتی ندارد.

پسابند: در واحد اداری پسابند، ۱۱۱ تن به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که از این میان، ۱۰۲ تن (۹۱.۹٪) تاجیک، ۳ تن (۲.۷٪) ایماق، ۱ تن (۰.۹٪) سید و ۱ تن (۰.۹٪) پشتون بوده‌اند. البته در این جمع، ۴ تن (۳.۶٪) خود را از اقوام دیگر معرفی کرده‌اند.

تولک: از ولسوالی تولک ۶۱ تن به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که از این میان، ۵۰ تن (۸۲.۰٪) خود را تاجیک خوانده‌اند، ۹ تن (۱۴.۸٪) ایماق، ۱ تن (۱.۶٪) بلوچ و ۱ تن (۱.۶٪) خود را از اقوام دیگر معرفی کرده است.

دولینه: در ولسوالی دولینه ۳۷ تن در این تحقیق پاسخ ارایه کرده‌اند که از جمع اینها، ۳۰ تن (۸۱.۱٪) خود را تاجیک، ۳ تن (۸.۱٪) ایماق و ۳ تن (۸.۱٪) خود را پشتون معرفی کرده‌اند. ۱ تن دیگر (۲.۷٪) گفته است که قومیت برای من مهم نیست.

شهرک: در واحد اداری شهرک، ۲۳ تن به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که از این میان، ۱۷ تن (۷۳.۹٪) تاجیک، ۱ تن (۴.۱٪) ایماق، ۱ تن (۴.۳٪) بلوچ، ۱ تن (۴.۳٪) سید و ۲ تن (۸.۷٪) ترکمن بوده‌اند. ۱ تن (۴.۲٪) دیگر هم قومیت خود را در ولسوالی شهرک، غوری دانسته است.

جدول شماره ۶- تفکیک قومیت و تعداد اشتراک کنندگان هر ولسوالی

قومیت به اساس ولسوالی	ترکمن	ایماق	پشتون	بلوچ	سید	هزاره سنی	مغول	ترکمن	ازبک	غوری	مهم نیست یا	سایر اقوام	مجموع
فیروزکوه	۴۴۱	۷۱	۶	۰	۲	۴	۰	۰	۱	۰	۱۱	۰	۵۳۶
دولتیار	۲۰۷	۴۸	۲	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۲۶۲
مرغاب	۱۶۴	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱۶۷
تیوره	۱۲۲	۶	۷	۰	۱	۳	۲	۰	۲	۰	۴	۲	۱۴۹
چهارسده	۱۲۲	۸	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۴	۱۴۰
ساغر	۱۰۷	۰	۰	۲	۵	۰	۰	۲	۰	۰	۱	۰	۱۱۷
پسابند	۱۰۲	۳	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۱۱۱
تولک	۵۰	۹	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۶۱
دولینه	۳۰	۳	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۳۷
شهرک	۱۷	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۰	۲۳
جمع هر قوم	۱۳۶۲	۱۵۰	۲۰	۴	۱۵	۸	۲	۵	۳	۲	۲۰	۱۲	۱۶۰۳
فیصد	۸۵.۰	۹.۴	۱.۲	۰.۲	۰.۹	۰.۵	۰.۱	۰.۳	۰.۲	۰.۱	۱.۲	۰.۷	۱۰۰

رابطه سطح تحصیلی و قومیت

در این قسمت خواهیم دید که آیا میان سطح تحصیلی افراد و پاسخ‌شان به پرسش قومیت، رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. بر مبنای داده‌های موجود، در این تحقیق صرف ۱ تن داکتر (PHD) اشتراک داشته که گفته است قومیت برای من مهم نیست و یا قومیت خود را نمی‌دانم. اما از میان ۱۰ تن (۰.۶٪) ماستر که به پرسش‌هایی تحقیق پاسخ گفته‌اند، ۷ تن شان (۷۰.۰٪) قومیت خود را تاجیک و ۱ تن (۱۰.۰٪) قومیت خود را ایماق گفته است. ۲ تن دیگر (۲۰.۰٪) گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم.

از میان کل جامعه نمونه، ۳۰۲ تن (۱۸.۸٪) از اشتراک کنندگان، دارای تحصیلات سطح لیسانس بوده‌اند که از آن میان، ۲۶۶ تن (۸۸.۱٪) خود را تاجیک معرفی کرده‌اند و ۱۸ تن (۶.۰٪) گفته‌اند که ما ایماق هستیم. به همین ترتیب ۴ تن (۱.۳٪) پشتون، ۳ تن (۱.۰٪) سید، ۱ تن (۰.۳٪) بلوچ، ۱ تن (۰.۳٪) ترکمن، ۱ تن (۰.۳٪) غوری و ۱ تن دیگر (۰.۳٪) هزاره سنی بوده‌است. ۷ تن دیگر (۲.۳٪) اما، گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم.

۲۴۲ تن (۱۵.۱٪) از اشتراک کنندگان تحقیق، دانشجویان در حال تحصیل بوده‌اند. از میان اینها، ۱۸۳ تن (۷۵.۶٪) خود را تاجیک خوانده‌اند و ۵۰ تن (۲۰.۷٪) ایماق. همین‌گونه، ۳ تن (۱.۲٪) ترکمن، ۲ تن (۰.۸٪) پشتون، ۱ تن (۰.۴٪) مغول، ۱ تن (۰.۴٪) سید و ۱ تن (۰.۴٪) از اقوام دیگر، بوده‌اند. از این جمع، ۱ تن (۰.۴٪) گفته است که قومیت برای من مهم نیست.

از میان اشتراک کنندگان، ۲۲۰ تن (۱۳.۷٪) دارای سطح تحصیلی فوق بکلوریا و یا چهارده پاس بوده‌اند که از جمله آنها، ۱۸۷ تن (۸۵.۰٪) گفته‌اند ما تاجیک هستیم. ۱۲ تن (۵.۵٪) خود را ایماق خوانده‌اند و به همین ترتیب، ۶ تن (۲.۷٪) پشتون، ۴ تن (۱.۸٪) سید، ۴ تن (۱.۸٪) هزاره‌سنی، ۲ تن (۰.۹٪) بلوچ، ۱ تن (۰.۵٪) ترکمن، ۱ تن (۰.۵٪) غوری و ۱ تن (۰.۵٪) از اقوام دیگر بوده‌است. از این میان، ۲ تن (۰.۹٪) گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست و یا قومیت خود را نمی‌دانیم.

۴۳۸ تن (۲۷.۳٪) از پاسخ‌دهندگان، دارای تحصیلات بکلوریا و یا متعلم صنوف دوازدهم و یازدهم بوده‌اند. از میان اینها ۳۶۹ تن (۸۴.۲٪) گفته‌اند که ما تاجیک هستیم و ۶۶ تن (۱۰.۵٪) خود را ایماق دانسته‌اند. به همین منوال، ۷ تن (۱.۶٪) پشتون، ۵ تن (۱.۱٪) سید، ۲ تن (۰.۵٪) ازبک و ۱ تن (۰.۲٪) قومیت خود را هزاره‌سنی گفته است. البته ۵ دیگر (۱.۱٪) گزینه اقوام دیگر را انتخاب کرده‌اند و ۳ تن (۰.۷٪) نیز گفته‌اند که قومیت خود را نمی‌دانیم.

در میان اشتراک کنندگان تحقیق، ۱۵ تن (۰.۹٪) دارای تحصیلات خصوصی یا مدارس بوده‌اند که از این میان، ۱۲ تن (۸۰.۰٪) خود را تاجیک گفته‌اند و ۳ تن (۲۰.۰٪) قومیت خویش را ایماق دانسته‌اند.

۳۷۵ تن (۲۳.۴٪) از پاسخ‌دهندگان، بی‌سواد بوده و یا هم‌اینکه سواد خود را ننوخته‌اند. از میان اینها، ۳۳۸ تن (۹۰.۱٪) گفته‌اند که ما تاجیک هستیم. ۲۰ تن (۵.۳٪) خود را ایماق دانسته‌اند و همچنان ۲ تن (۰.۵٪) بلوچ، ۲ تن (۰.۵٪) سید، ۱ تن (۰.۳٪) مغول، ۱ تن (۰.۳٪) پشتون، ۱ تن (۰.۳٪) ازبک، ۱ تن (۰.۳٪) هزاره‌سنی و ۱ تن (۰.۳٪) از سایر اقوام بوده‌اند. از میان اینها ۸ تن (۲.۱٪) نیز گفته‌اند که قومیت خود را نمی‌دانیم.

تحصیل خصوصی	ماستر	بدون سواد یا سفید	بکلوریا	فوق بکلوریا	دانشجو یا محصل	لیسانس	فیصدی تحصیل و قومیت
۸۰.۰	۷۰.۰	۹۰.۱	۸۴.۲	۸۵.۰	۷۵.۶	۸۸.۱	تاجیک
۲۰.۰	۱۰.۰	۵.۳	۱۰.۵	۵.۵	۲۰.۷	۶.۰	ایماق
		۰.۳	۱.۶	۲.۷	۰.۸	۱.۳	پشتون
	۲۰.۰	۲.۱	۰.۷	۰.۹	۰.۴	۲.۳	مهم نیست
		۰.۵	۱.۱	۱.۸	۰.۴	۱.۰	سید
		۰.۳	۰.۲	۱.۸		۰.۳	هزاره سنی
				۰.۵	۱.۲	۰.۳	ترکمن
		۰.۵		۰.۹		۰.۳	بلوچ
		۰.۳	۰.۵				ازبک
				۰.۵		۰.۳	غوری
		۰.۳			۰.۴		مغول
		۰.۳	۱.۱	۰.۵	۰.۴		سایر اقوام

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسشی که شما خود را از کدام یک از اقوام افغانستان می‌دانید، در این تحقیق از میان ۱۶۰۳ تن پرسش‌شونده در ۱۰ ولسوالی، براساس جمع بندی و تحلیل پاسخ‌ها، به صورت مجموعی روشن شد که ۱۳۶۲ تن (۸۵.۰٪) گفته‌اند که ما خود را تاجیک می‌دانیم و ۱۵۰ تن (۹.۴٪) خود را ایماق معرفی کرده‌اند. به همین ترتیب ۲۰ تن (۱.۲٪) گفته‌اند که قومیت برای ما اهمیتی ندارد یا اینکه قومیت خود را نمی‌دانیم. ۲۰ تن (۱.۲٪) پاسخ داده‌اند که ما پشتون هستیم. ۱۵ تن (۰.۹٪) خود را سید دانسته‌اند و ۸ تن (۰.۵٪) هزاره سنی، ۵ تن (۰.۳٪) ترکمن، ۴ تن (۰.۲٪) بلوچ، ۲ تن (۰.۱٪) مغول، ۳ تن (۰.۲٪) ازبک، ۲ تن (۰.۱٪) غوری و ۱۲ تن (۰.۷٪) دیگر گزینه سایر اقوام را انتخاب کرده‌اند.

این تحقیق نشان می‌دهد که در مورد مقایسه قومیت تاجیک و ایماق، در میان کسانی که خود را ایماق معرفی کرده‌اند ولسوالی دولتیار با داشتن ۱۸.۳٪، بالاترین رقم کسانی را داشته است که خود را ایماق دانسته‌اند. فیصدی کسانی که خود را تاجیک دانسته‌اند در همین ولسوالی ۷۹.۰٪ بوده است. بر مبنای نتایج به دست آمده در این تحقیق، فیروزکوه از

بابت کسانی که خود را ایماق معرفی کرده‌اند، جایگاه دوم را داشته است. در ولسوالی فیروزکوه کسانی خود را ایماق دانسته‌اند ۱۳.۲٪ اشتراک‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. فیصدی کسانی که خود را تاجیک خوانده‌اند، در فیروزکوه ۸۲.۳٪ بوده است.

در ولسوالی ساغر هیچ کس خود را ایماق معرفی نکرده، اما کسانی خود را تاجیک گفته‌اند ۹۱.۵٪ بوده‌اند. در میان ولسوالی‌های ده‌گانه، مرغاب با ۹۸.۲٪ از نظر موجودیت کسانی که خود را تاجیک دانسته‌اند، در جایگاه نخست قرار گرفته است. در این ولسوالی فقط ۱ تن (۰.۶٪) خود را ایماق معرفی کرده است.

در مورد رابطه تحصیل و قومیت، آنهایی که دارای سطح تحصیلی ماستری بوده‌اند ۷۰٪ شان قومیت خود را تاجیک گفته‌اند، ۱۰٪ ایماق و ۲۰٪ نیز گفته‌اند که قومیت برای ما مهم نیست. کسانی که خود را لیسانسه خوانده‌اند ۸۸٪ شان گفته‌اند که ما تاجیک هستیم و ۶٪ شان ایماق. به همین منوال در میان دانشجویان یا محصلان ۷۵.۶٪ تاجیک بوده‌اند و ۲۰.۷٪ ایماق. از جمع کسانی که دارای تحصیل فوق بکلوریا یا چهارده پاس بوده‌اند، ۸۵٪ تاجیک و ۵.۵٪ ایماق حضور داشته است. آنهایی که ۱۲ پاس یا بکلوریا و یا متعلم صنوف دوازده و یازده مکتب بوده‌اند، ۸۴.۲٪ خود را تاجیک خوانده‌اند و ۱۰.۵٪ ایماق. در میان کسانی که خود را فاقد سواد معرفی کرده و یا این پرسش را خالی گذاشته‌اند، در مورد قومیت خود، ۹۰.۱٪ شان گفته‌اند که ما تاجیک هستیم و ۵.۳٪ شان خود را ایماق دانسته‌اند. البته یک فردی که سطح تحصیلی دکتری داشته، گفته است که قومیت برای من اهمیتی ندارد.

قابل تذکر است که این تحقیق در شروع زمستان برگزار شد و برای سفر به ولسوالی‌ها، مشکلات امنیتی نیز وجود داشت، لذا دسترسی به مردم در مناطق دور دست، دشوار بود و همکاران ما ناگزیر در برخی از واحدهای اداری، به دانشجویان و دانش‌آموزانی که از آن ولسوالی‌ها به نهادهای تحصیلی و تعلیمی حضور داشتند و یاهم به خانه‌پری پرسشنامه از طریق تلفون اکتفا کردند. بنا بر این بود که از حدود پنج‌هزار نفر در ۱۰ واحد اداری و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری دقیق‌تر، در این مورد نظرخواهی شود که به دلایل و عواملی که ذکر شد و به علت نبود هزینه کافی، این تحقیق به آن آرزو نرسید. پیشنهاد می‌شود، نهادها و دوستان دیگر، در فرصت و شرایطی بهتر، این تحقیق را به شکل وسیع‌تر، انجام بدهند و به پژوهش کنونی، غنا و ژرفای بیشتری ببخشند.



پرسشنامه

قومیت یک احساس و یک نوع شناخت از هویت خود است. ما می‌خواهیم از زبان مردم غور بشنویم که خودشان را از کدام یک از اقوام افغانستان می‌دانند. در این برنامه از ۱۵۰۰ تن از مردم غور پرسیده خواهد شد. ما از همکاری شما در این تحقیق و سروی سپاسگزاریم. نام و هویت شما محفوظ خواهد ماند و این پرسشنامه برای شما هیچ مسوولیت و خطری در پی نخواهد داشت.

نام و تخلص پرسش کننده:

مشخصات فردی پرسش شونده:

نام: نام پدر: قریه: ولسوالی:

جنسیت: سن و سال: درجه تحصیل: شماره تماس:

شما خود را متعلق به کدام یک از اقوام ذیل می‌دانید؟ دور آن قوم را حلقه نمایید.

- ازبک
- سید
- تاجیک
- پشتون
- ایماق
- هزاره سنی
- بلوچ
- بیات
- قزلباش
- ترکمن
- اقوام دیگر

شکل ۲: شهر فیروزکوه مرکز ولایت غور در زمستان



فهرست منابع

- ۱- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ؛ ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۲- بارفیلد، توماس جفرسون (۱۳۹۸). تاریخ فرهنگی - سیاسی افغانستان، ترجمه عبدالله محمدی، چاپ نهم، تهران: انتشارات عرفان.
- ۳- برتون، رولان (۱۳۹۸). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- ۴- بیلینو، ایچ دبلیو، (۱۳۹۱). پژوهشی در باره قوم‌شناسی یا اتنوگرافی افغانستان، ترجمه دکتر لعل‌زاد، کابل: انتشارات سعید.
- ۵- زمچی اسفزاری، معین‌الدین، (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات، تهران: انتشارات دانشگاه.
- ۶- شیرمحمد خان، (۱۳۱۱ق). تواریخ خورشید جهان، پنجاب: مطبعة اسلامیه لاهور.
- ۷- فایق، فضل‌الحق و دیگران، (۱۳۹۸). شناسنامه غور، کابل: انتشارات پرند و انجمن ادبی فیروزکوه.
- ۸- اداره ملی احصاییه و معلومات (۱۳۹۸). برآورد نفوس کشور، <https://www.nsia.gov.af:8080/wp-content/uploads>
- ۹- بابا صفری، نافع، (۱۳۹۵). قومیت و ناسیونالیسم قومی، <https://www.cgie.org.ir>